

## حدادی در کیش، اردودر تهران



تیم ملی بسکتبال این روزها در تهران خود را آماده حضور در پنجمین انتخابی جام جهانی می‌کند و این در حالی است که مهران شاهین طبع از یکی از ستاره‌های ایران بی‌بهره مانده است. حامد حدادی بعد از مسائل حاشیه‌ای که در چند وقت اخیر به وجود آمد ترجیح داده است در اردوی تیم ملی دیده نشود تا غیبت او و صمد نیکخواه‌بهرامی که در آمریکا به سر می‌برد، نگرانی‌ها را برای رسیدن بسکتبال ایران به جام جهانی زیاد نکند. حدادی در شرایطی که تیم ملی دو بازی حساس مقابل استرالیا و فیلیپین را پیش رو دارد، راهی جزیره کیش شده است. قرار بود بعد از مصاحبه تند قاسمی درباره ماجرای ماست و دوغ، او از ملی پوشان عذرخواهی کند که هنوز خبری از این دلجویی نشده است. به نظر می‌رسد فدراسیون چندان تمایلی هم به رفع دلخوری‌ها ندارد و ظاهراً قصد دارد با لجبازی و بی‌خیالی این روزهای سخت را سپری کنند. شاید بهتر باشد وقتی فدراسیون در حل این مشکلات قدمی برنمی‌دارد، وزارت ورزش و ورود کند تا جام جهانی بدون ایران برگزار نشود.

## بنی تیمم جای خادمی نشیند؟

بعد از استعفای رسول خادم از ریاست فدراسیون کشتی، حمید بنی تیمم نایب رئیس فدراسیون به عنوان سرپرست انتخاب شد. بنی تیمم زمانی که خادم به سرمربیگری تیم ملی کشتی آزاد برگشت، تمام کارهای رسول را انجام می‌داد. او در دوران سرپرستی هم دست به انتصاب‌های بسیار مهمی زد. سرپرست کشتی غلامرضا محمدی را به هدایت آزادکاران بازگرداند و در اقدامی قابل توجه فرش قرمز را برای آمدن محمد بنا به کشتی فرنگی پهن کرد. درباره بنا همچنین شنیده می‌شود او با رای مسعود سلطانی‌فرو حمایت کمیته ملی المپیک و ضمانت‌هایی که از آنها برای استقلال کاری‌اش گرفته، راضی به بازگشت به تیم ملی شده است. حالا شواهد نشان می‌دهد که کشتی در مسیر ریاست حمید بنی تیمم پیش می‌رود و بعید به نظر می‌رسد که وزارت ورزش مخالفتی با این روال داشته باشد. از همان روزی که بنی تیمم حکم سرپرستی از وزارتخانه گرفت رسمی و غیررسمی از سوی فدراسیون نشین‌ها بارها تاکید شد که هیچ منع قانونی برای حضور سرپرست در انتخابات فدراسیون وجود ندارد. هر چند که اساسنامه جدید این موضوع را نفی می‌کند، اما هر چه که هست، بنی تیمم این فرصت را خواهد داشت تا در صورت ثبت نام در انتخابات، از سرپرستی انصراف دهد تا حتی بر اساس اساسنامه جدید هم مشکلی در این خصوص وجود نداشته باشد. لازم به یادآوری است که در نخستین روزهای سرپرستی بنی تیمم نیز از او به عنوان گزینه ریاست فدراسیون نام برده می‌شد.

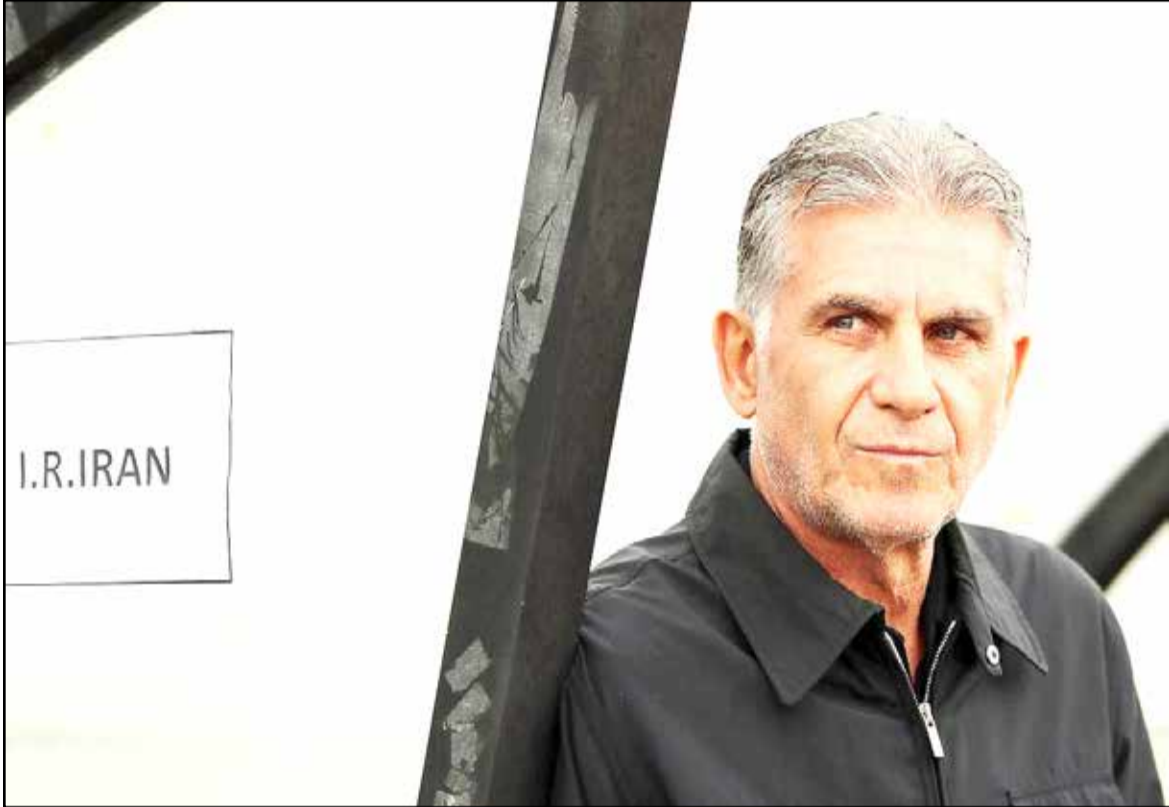
## توقف غول کش لیگ در اردکان

هشتمین هفته از لیگ برتر و ایلیال با برگزاری ۶ مسابقه در شهرهای مختلف پیگیری شد. در اردکان تیم خاتم میزبان شهرداری گنبد بود که این بازی با نتیجه سه بر دو به سود خاتمی‌ها خاتمه پیدا کرد. گنبدی‌ها در این هفته‌ها نتایج خوبی گرفتند و لقب غول کش را به خود اختصاص دادند اما در اینجا متوقف شدند. در دیگر بازی این هفته تیم صدرنشین شهرداری ورامین از درنای ارومیه که در انتهای جدول قرار دارد پذیرایی کرد که این بازی با نتیجه سه بر صفر به سود شاگردان رحمان محمدی‌راد در شهرداری ورامین خاتمه پیدا کرد. در آمل تیم کاله میزبان سایپا بود که این مسابقه با نتیجه سه بر یک به سود خودروسازان خاتمه پیدا کرد. تیم بحران زده شهرداری ارومیه نیز با هدایت ناصر شهنازی، سرمربی جدید خود مقابل شهروند اراک قرار گرفت. این بازی با نتیجه سه بر دو به سود اراکی‌ها تمام شد تا حضور ناصر شهنازی هم تأثیری در روند نزولی تیم شهرداری ارومیه نداشته باشد. همچنین عقاب نه‌ها از شهرداری تبریز در خانه شکست خورد و پیام مشهد با نتیجه سه بر صفر فولادسیرجان را پشت سر گذاشت.

## چرا سرمربی تیم ملی، جسارت توهین به خبرنگارها را به دست آورده است؟

## جنگ مربی، رنگ خبرنگار!

مقایسه تعداد میکروفن‌هایی که در کنفرانس خبری تازه کارلوس کی‌روش مقابل او قرار گرفتند با میکروفن‌هایی که سابقاً در یک کنفرانس مطبوعاتی مقابل این مربی گذاشته می‌شدند، به روشنی سقوط محبوبیت مرد پر تعالی در فوتبال ایران را آشکار می‌کند. حرف‌های کارلوس دیگر مثل سابق خردار ندارد و کشف این موضوع، کار دشواری به نظر نمی‌رسد. با این وجود اینکه بخشی از جامعه خبری ایران بعد از توهین عجیب دستیار کی‌روش به یک خبرنگار، کنفرانس خبری او را تحریم نمی‌کنند و اینکه کارلوس همچنان می‌تواند به اتهام‌زنی علیه گروهی از خبرنگارها ادامه بدهد، ماجراهای تلخی هستند که ریشه‌های‌شان را باید در دل جامعه خبری جست‌وجو کرد.



## آرپاطاری

در آوردن همه واقعت‌ها در مورد آقای مربی. صحبت از همه وجوه مربیگری او و البته دستمایه قرار دادن تفاوت‌هایش در جریان بازی‌ها و خارج از بازی‌ها. طبیعتاً مردم باید همه حقایق را در مورد مرد پر تعالی بدانند و بر همین اساس، سرگرم قضاوت او شوند. واکنش خبرنگارها و روزنامه‌نگارهای وطنی به این مربی اما در یک «دوقطبی» واضح خلاصه می‌شود. آنها یا سرمربی تیم ملی را دوست دارند و یا از او بیزار هستند و این احساس شخصی ظاهراً قرار نیست به هیچ قیمتی دستخوش تغییر شود. در ماه‌های گذشته، فضای «هواداری» در فوتبال ایران از همیشه مسموم‌تر شده است. قرمزها سرگرم زیر سوال بردن موفقیت‌های گذشته‌ای‌ها هستند و آبی‌ها نیز دست به هر کاری می‌زنند تا با شکست قرمزها، به جشن و پایکوبی بپردازند. حتی جا ماندن اسم علی‌رضا بیرانوند به عنوان گلر اول تیم ملی در بین نامزدهای انتخاب به عنوان مرد سال آسیا، باعث ایجاد اختلاف میان هواداران دو باشگاه شده است. در چنین شرایطی، خبرنگارها باید به تلطیف فضا مشغول باشند اما مجموعه‌ای از نوشته‌ها، یادداشت‌ها، پست‌های

اینستاگرامی و توییت‌های آنها نیز تنها به «کری خوانی» گره خورده است. در همه دنیا خبرنگارها «تیم مورد علاقه» دارند و هیچ مشکلی در علاقه داشتن به یک تیم دیده نمی‌شود اما زمانی که یک خبرنگار خطوط قرمز شغلیش را نادیده می‌گیرد و در قاب یک هوادار متعصب فرو می‌رود، دیگر نباید انتظار بهبود اوضاع هواداری در کشور را داشته باشیم. کارلوس کی‌روش، مهم‌ترین بحث روز فوتبال ایران را می‌سازد اما تا زمانی که این بحث نیز به «رنگ»‌ها پیوند خورده باشد، هیچ‌وقت به نتیجه‌ای منطقی ختم نخواهد شد.

«وقت ندارم با خبرنگارها ناهار بخورم!». این جمله، کنایه‌آمیزترین بخش از کنفرانس مطبوعاتی کارلوس کی‌روش در انتهای اردوی اخیر تیم ملی در تهران است. جمله‌ای که مستقیماً خبرنگاران حاضر در ناهارهای مشترک با برانکو ایوانکوویچ را نشانه می‌گیرد و «استقلال» آنها را زیر سوال می‌برد. کارلوس کی‌روش هیچ نیازی به عذرخواهی احساس نمی‌کند، چرا که می‌داند خبرنگارهای ورزشی هیچ اتحادی از خودشان نشان نخواهند داد. اگر یک روز

سکوت می‌گیرند تا پاسخ سوالات خبرنگاران ترنیتسداد و تو باگو را بدهند. اگر ماجرای درگیری اوسیانو کروز با یک خبرنگار در هر کشور دیگری رخ داده بود، جریمه سنگین و حتی اخراج این مربی در دستور کار فدراسیون فوتبال قرار می‌گرفت. حتی اگر این اتفاق نیز رخ نمی‌داد، خبرنگارها در کنار هم شرایطی را به وجود می‌آوردند که تیم ملی در بایکوت کامل قرار بگیرد و قبل از عذرخواهی رسمی و پرداخت تاوان احتمالی، نتواند از این بایکوت خارج شود. بیشتر خبرنگارهای ایرانی اما به سادگی از این موضوع عبور کردند و چند نفرشان حتی با کنایه‌هایی زشت علیه همکارها، دست روی این نکته گذاشتند که کارلوس هیچ‌کس را بسا «گلوله» زخمی نکرده است! کارلوس در کنفرانس خبری، به روزنامه‌نگارها و خبرنگارهایی کنایه می‌زند که این اواخر با سرمربی پرسپولیس ناهار خورده‌اند. جماعتی که هویت شغلی‌شان را به یک «کارت هدیه» می‌فروشند و علائق رنگی را در اولویت تهیه هر گزارشی قرار می‌دهند. خبرنگاری که قربانی خشونت اوسیانو شده، نمی‌تواند حمایت همه افشار جامعه را جذب کند. چرا که خیلی زود تصاویر متعددی از پست‌های او در فضای مجازی با انبوهی از کری خوانی‌های رنگی و عکس‌های او در رستوران با برانکو ایوانکوویچ دیده می‌شود. در زشت بودن حرکت اوسیانو و زشت‌تر بودن اصرار کی‌روش به عذرخواهی نکردن، شکی وجود ندارد اما اگر خبرنگارها هم کمی بر اصل «بی‌طرفی» یا فشاری به خرج می‌دادند و سرگرم «ناهارنگاری» نمی‌شدند، حرف‌ها و عمل‌شان امروز خریداران بیشتری داشت. کاش خبرنگارها نیز وقت نداشتند با سرمربیان ناهار بخورند و خودشان را در معرض قضاوت‌هایی بی‌رحمانه قرار بدهند.

جنگ کی‌روش تمام‌شدنی نیست. او برای رسیدن به اهدافش، حتی حاضر است با دیوار هم بجنگد و در این راه، ابایی ندارد که از بازیکنانش نیز به عنوان ابزار استفاده کند. آقای مربی وعده‌های حمایتی خاص خودش را دارد و در هیچ شرایطی، حمایت این گروه خاص‌را از دست نمی‌دهد. برای اولین بار از زمان ورود کارلوس کی‌روش به فوتبال ایران، بسیاری از رسانه‌های اصلی کشور حاضر نشده‌اند در کنفرانس مطبوعاتی او حاضر باشند. تقریباً همه وبسایت‌های مهم و پرمخاطب، به وضع گیری بی‌مهر و بی‌مشت کرده‌اند و توجهی به صحبت‌های او نشان نداده‌اند. این اتفاق می‌تواند یک زنگ خطر بزرگ برای مربی

بعد از درگیری اوسیانو کروز با یک خبرنگار پس از پایان دیدار تیم ملی، همه خبرنگارها در کنار هم حضور در تمرین تیم را تحریم می‌کردند، بدون تردید فدراسیون و کادر فنی ناچار می‌شد به رفتار زشت کمک مربی کارلوس واکنش نشان بدهد اما صبح روز بعد، باز هم گروهی از شیفتگان کی‌روش و یا افرادی که منافع شخصی‌شان در برقراری ارتباط مستمر با این مربی خلاصه می‌شود، خودشان را به تمرین تیمی رساندند که باز یکنانش از دسترس خارج شده‌اند و مربیانش مقابل خبرنگارهای ایرانی روزه

## نکته به نکته

## در انتظار فاجعه

مدیرعامل شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی از برآورد هزینه ۲۰۰ میلیارد تومانی برای بازسازی «واقعی» ورزشگاه آزادی صحبت کرده، ورزشگاهی که گفته می‌شود آبروی فوتبال ایران است! با توجه به رقم‌های رد و بدل شده برای عادی‌ترین امور کشور، چرا پرداخت این بودجه برای مهم‌ترین ورزشگاه ایران همچنان دور از ذهن به نظر می‌رسد؟ در چه اول احتمالاً پاسخ این سوال را باید در نداشتن ورزشگاه جایگزین در تهران برای شروع بازسازی جست‌وجو کرد. استقلال و پرسپولیس دائماً در حال فرار از بازی در ورزشگاه شاهکاری مثل تختی تهران با معماری کم‌دلی‌اش هستند. نکته مهم‌ترین این است که هیچ تضمینی برای بهبود شرایط استادبوم پس از بازسازی وجود ندارد. چرا که پیش از این سلیقه‌های مدیران ورزشی در ساخت استادبوم‌های تازه، ناامیدکننده بوده است. به نظر می‌رسد آزادی در یک بن بست گرفتار شده و این بن بست تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که فاجعه‌ای بزرگ روی سکوهای این استادبوم رخ بدهد.

## تغییر چهره

تغییر چهره آزادی در روز برگزاری فینال لیگ قهرمانان آسیا، ثابت کرد که اگر چنین پروژه‌هایی به مدیران خارجی سپرده شوند و تحت نظارت سختگیرانه آنها قرار بگیرند، با حداقل امکانات هم می‌شود به نتایج خوبی رسید. «سلیقه» در تک تک جزئیات مربوط به بازی فینال موج می‌زد و کنفدراسیون فوتبال آسیا به خوبی توانست آزادی را در روزهای منتهی به مسابقه مدیریت کند. پیش از این هرگز تصور نمی‌شد جام‌قهرمانی یک تورنمنت در حوالی جایگاه ویژه آزادی به یک تیم سپرده شود و مراسم بدون هیچ مشکلی به پایان برسد. آیا مدیران ایرانی می‌توانند دوباره این ورزشگاه را به چنین وضعی در بیاورند؟ اگر پای کمی سلیقه وسط باشد، انجام چنین کاری ابداع غیرممکن نیست. اگر قرار نیست دیوارهای استادبوم برای همیشه ترمیم شوند، حداقل نصب چند بنر جذاب با نوشته‌هایی کوتاه و شیک درباره فوتبال، ظاهر آزادی را تغییر خواهد داد و ورزشگاه‌را از این حالت عصر حجر، خارج خواهد کرد.

## بازسازی یا ظاهر سازی؟!

تصاویری که به تازگی از استادبوم آزادی منتشر شده‌اند نشان می‌دهد اتفاقی به نام بازسازی در آن رخ نداده و همه چیز بیشتر در «ظاهر سازی» خلاصه شده است. دیوارهای استادبوم پس از کنده شدن بنرهای شیک مربوط به فینال لیگ قهرمانان، کاملاً ترک خورده به نظر می‌رسند و شرایط بسیار بدی دارند. سقف راهروها همچنان به شدت چکه می‌کند و نمای کلی ورزشگاه حتی نسبت به قبل از ترمیم، بدتر شده است. تنها تغییر «پایدار» آزادی مربوط به جایگاه ویژه و پل‌یون متصل به این جایگاه است اما در سایر موارد با وجود همه شعارها، نوسازی آزادی «موقت» بوده است. مدیران استادبوم از هزینه‌های نجومی برای بازسازی آزادی صحبت کرده‌اند اما سوال اینجاست که این هزینه، صرف چه چیزی شده است؟ یک اتاق ساده با چند صندلی برای عکاس‌ها؟ البته که ورزشگاه پیر تهران در روز برگزاری فینال، شکل به نظر می‌رسید اما درست مثل لباس جادویی سیندلر لا، همه چیز در نیمه‌شب ناپدید شد.